

بَیْرید...!

«پریش» سرشار از قدرتِ ایمانتان را برای
دست یافتن به یک زندگی پُربرکت انجام دهید...!

استیو هاروی

فریده مهدوی دامغانی

جائزة ابن مللی ترجمه مُنسلِیچه ۲۰۰۳ از ایتالیا
نشان افتخار طلای ۲۰۰۳ از راونا و ۲۰۰۴ از شهر فلورانس
مهروند انتخابی راونا در سال ۲۰۰۵
نشان لیاقت «کُمن دائره» از ریاست جمهوری ایتالیا ۲۰۰۷
جایزه بهترین مترجم جَنَوَارَه فارابی ۱۳۹۱



تهران، ۱۳۹۷

Harvey, Steve

سرشناسه: هاروی، استیو، ۱۹۵۶ - م.
عنوان و نام پدیدآور: بَرید...! : پرش سرشار از قدرت ایمانتان را برای دست یافتن به یک زندگی پرپرکت
انجام دهید / استیو هاروی ؛ ترجمه فریده مهدوی دامغانی.
مشخصات نشر: تهران: نشر ذهن آویز، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: 978-600-118-240-2

Jump...! Take the Leap of Faith To achieve
your Life of Abundance 2017

Success - Religious aspects - Christianity

Faith

Mahdavi Damghani, Farideh

موضوع: جنبه‌های مذهبی - مسیحیت
موضوع: ایمان
شناسه افزوده: مهدوی دامغانی، فریده، ۱۳۴۲ -، مترجم.
رده‌بندی کنگره: BV۴۵۰۱ / ۵۲ ب ۳ ۱۳۹۷
ر.بندی دیویی: ۲۴۸/۴
شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۳۲۸۹۹

این کتاب ترجمه‌ای است از:

JUMP...!

بَرید...!

Take the Leap of Faith To achieve

your Life of Abundance

by

Steve Harvey

آماده‌سازی و اجرا: پژمان آرایش

طرح جلد: سوگل علمی

مدیر تولید: عماد درنایی

چاپ اول: نشر ذهن آویز، تابستان ۱۳۹۷

شمار نسخه‌های این چاپ: ۱۰۰۰

حق چاپ برای نشر ذهن آویز محفوظ است
لیتوگرافی: زاویه نور / چاپ: کاج / صحافی: پیکان

«با همکاری نشر تیر»



نشر تیر
TIR PUBLISHING

مرکز پخش: مؤسسه گسترش فرهنگ و مطالعات

تلفن و دورنگار: ۷۷۳۵۴۱۰۵

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان



@Zehn_Aviz

آدرس اینترنتی پخش: www.gbook.ir

پیشگفتار

«بپزید...!»

استودیو فیلم برداری «دشمنی خانوادگی»

شهر آتلانتا - ایالت جورجیا

۱۳ ژانویه ۲۰۱۶

بسیار مایلم که سببی در هنگام ترک کردن صحنه تلویزیونی ام به تماشاچیانم بیان کردم برای شما نیز بیان کنم. عملاتی که با کف زدن های پرشور و مداوم جمعیت تماشاچیانم همراهی می شد. به راستی خودم از شیرمیقی که این سخنان بر دیگران داشت شگفت زده شده بودم. هرگز در عمرم ندیده بودم که ویدیویی از سخنانم، به این سرعت، در تمام رسانه های عمومی پخش شود. باورتان می شود؟ تعداد پنج میلیون تماشاچی در سراسر دنیا آن را دیدند! این واکنش پرشور و آنی به من نشان داد و ثابت کرد که شمار بسیار عظیمی از مردم، در سراسر جهان، به دنبال پاسخی برای داشتن یک زندگی بهتر در این عالم زمینی هستند.



«میل دارم راجع به کاری با شما سخن بگویم که تمام انسان های موفق در این عالم، اعم از زن و مرد، همواره در طول زندگی شان یا در طول مسیر حرفه ای شان به انجام رسانده اند. این که هر انسان موفق، در مقطعی از زمان، آن «پرش» بزرگ را انجام داده است! آن ها تمام رؤیاها و آرزوها و امیدهای خود را با خود همراه برداشتند و ناگهان «پرش» سرشار از قدرت ایمان به انجام رساندند! اگر شما به راستی خواهان دست یافتن به بزرگی و عزت و عظمت در زندگی تان هستید، در نهایت امر، روزی فرا می رسد که شما نیز ناگزیرید آن «پرش» عظیم را به انجام رسانید...

شما نمی‌توانید در این عالم خاکی وجود داشته باشید و به صورت اتوماتیک و خودکار، سعادت و نیکبختی را برای خود بیابید.

شما وظیفه دارید که هر لحظه‌ای از عمرتان را به صورت تمام و کمال زندگی کنید تا بتوانید برکت و فراوانی را به درون زندگی‌تان وارد سازید. اگر شما تازه به این واقعیت دست یافته‌اید که باید قاعدتاً خیلی چیزهای بیش‌تری در این عالم هستی برای شما وجود داشته باشد، پس باور بیاورید که واقعاً چنین چیزی وجود دارد! شما باید حقیقتاً از صمیم قلب باور کنید که واقعاً چنین چیزی هست! اما در جهت آن که به آن نوع حیات و هستی سرشار از برکت و فراوانی دست پیدا کنید، نخست لازم است که شما آن «پرش» بزرگ را به انجام رسانید.

هنگامی که خداوند عالم همه ما را آفرید، به هر یک از ما، هدیه‌ای الهی عنایت کرد. او هرگز هیچ چیز را بدون آن که با هدیه‌ای خدادادی مزین کند، نیافریده است. تقاضامندم با خود تصور نکنید که هدیه شما تنها یک استعداد فطری برای دویدن یا پریدن یا آوازخوانی یا رقصیدن است! ماجرای بسیار پیچیده‌تر از این چیزها است...

اگر شما به خوبی می‌دانید که چگونه کار کنید و اگر می‌دانید چگونه نقطه‌ها را به هم وصل کنید و یا شیوه آموزش دادن به دیگران را می‌دانید و یا حتی بهتر از فرد دیگری می‌دانید چگونه یک مرغ را سرخ کنید و یا می‌دانید چگونه درخت عوشت را بپزید، یا موهای دیگران را به زیبایی کوتاه و موهایشان را رنگ کنید، یا چمن‌خانه‌ها را منظم و کوتاه کنید، خوب پس، این همان هدیه‌ای است که خداوند به شخص شما عنایت کرده است.

شریکی داشتم که هرگز میل نداشت تا دیروقت بیدار بماند و دست‌گز رانی کند. من و دوستان دیگر همیشه عادت داشتیم به او بگوییم: «ای بابا! یک دهم دیگ هم پیش ما بمان...» اما او همیشه پاسخ می‌داد: «نه! صبح باید زود از خواب بیدار شوم تا بروم و چمن خانه خانم جانسن^۱ را کوتاه کنم...»

ما همیشه عادت داشتیم به او بخندیم. زیرا همیشه دوست داشت چمن خانه دیگران را کوتاه کند. اما امروزه، او یک شرکت عظیم طراحی باغ در ایالت کلیولند^۲ دارد که ارزش تجاری

آن بیش از چهار میلیون دلار است! تنها کاری که او انجام می‌دهد، کوتاه کردن چمن خانه مردم است. همین. اما او در این کار، استعداد فوق‌العاده‌ای داشت و دارد...

شریک دیگری داشتم که او نیز سالیانه هشتصد هزار دلار درآمد دارد. کار او تزیین بیرونی و داخلی اتومبیل‌ها است. یگانه کاری که می‌تواند انجام دهد این است که تزیینات بدنه اتومبیل‌ها و داخل آن‌ها را انجام دهد. او دیگر آن قدر در کارش شهرت یافته است که صاحب شش کامیون موبیل عظیم شده است و اگر قرار است به خانه شما بیاید، با یکی از کامیون‌ها به نزد شما می‌آید تا اتومبیلتان را از خارج و داخل، به زیباترین شکل ممکن تزیین و مرتب کند. این هم هدیه خداوندی است، و همان کاری است که او بی‌اندازه دوست دارد انجام دهد. پس شما هم هدیه خداوندتان را کشف کنید!

حال فرض کنیم که شما را به یگانگی که همانا زندگی زمینی شما است ایستاده‌اید و افرادی را مشاهده می‌کنید که به شما ابراهیم را به پرواز مشغولند و به انواع اماکن عجیب و جالب و مهیج می‌روند یا آن که همسایه شما هر سال یک بار، اتومبیل جدیدی برای خود خریداری می‌کند و شما با خود فکر می‌کنید: «آخر این چه می‌تواند هر دو سال یک بار ماشین جدیدی برای خود خریداری کند؟!»

ببینم، آیا در چنین مواقعی، شما دست از تفکر دست‌نشانده‌اید تا به خود پاسخ دهید: «خب، شاید این شخص هدیه خداوندی‌اش را شناسایی کرده است...»

یا: «شاید دارد بر اساس برکات هدیه الهی‌اش زندگی می‌کند...؟»

در کتاب مقدس آمده است: «هدیه شما، فضایی باز را برایتان خواهد گشود...»

در این کتاب آمده است: «هدیه شما» و نگفته است: «تحصیلات عالی شما».

من افراد بی‌شماری را در طول زندگی‌ام می‌شناسم که انواع مدارج تحصیلات عالی را دارند، اما از هیچ یک از آن‌ها استفاده سازنده و مفید نمی‌کنند. شما می‌توانید بروید به یک کالج یا دانشگاه و تحصیلاتی را دنبال کنید. خوب، معلوم است که بی‌اندازه تمایل دارید فردی تحصیل کرده باشید، اما تحصیلات شما، تنها تا اندازه‌ای مشخص و محدود، شما را به جلو پیش خواهد راند. یگانه راهی که به شما اجازه می‌دهد در هوا به پرواز درآیید این است که شما نیز

«پرش» بزرگتان را به انجام رسانید. شما باید آن هدیه‌ای که در کوله‌پشتی‌تان قرار داده‌اید را درآورید و از پرتگاهی که در مقابلتان قرار دارد «پرشتان» را به انجام رسانید و سپس طناب را محکم بکشید! اگر هرگز از آن هدیه استفاده نکنید، صرفاً به عنوان یک «کارمند» ساده در این عالم خاکی ایفای نقش خواهید کرد... همین.

آن هنگام است که تمام روزهای زندگی‌تان یکنواخت و یکسان می‌شود. تنها این می‌ماند که خدا را یا شاکر باشید که موفق می‌شوید پول صورتحساب‌های ماهیانه‌تان را بپردازید. اما بینم: آیا به راستی خواهان داشتن این نوع زندگی برای خود هستید؟!

اگر شما هر روز صبح از خواب بیدار می‌شوید و به کاری می‌روید که از آن نفرت دارید، اسم این کار را نم‌زبان زندگی کردن نهاد. این یعنی آن که شما صرفاً وجود دارید و بس. اما سرانجام نام‌آورد می‌رسد که شما نیز خواهان این هستید که بفهمید معنای زندگی کردن به معنای واقعی کلمه چیست. ریگانه‌راهی که به شما اجازه چنین کاری را می‌دهد این است که شما آن «پرش» کذایی‌تان را به انجام رسانید.

هنگامی که برای نخستین بار، «پرشتان» را انجام می‌دهید، چتر نجاتتان همان لحظه باز نخواهد شد. البته من می‌توانم به شما خار نشان دهم که یقیناً باز خواهد شد. اما حقیقت این است که باز نخواهد شد. آن وقت است که شما با صدای صخره بزرگ مواجه شده و تصادف خواهید کرد. مقداری از قسمت‌های پوست بدن‌تان پاره می‌شود و جروح خواهد شد و تنتان به این جا و آن جا خواهد خورد. حتی این امکان وجود دارد که متأسفانه از لباس‌هایتان نیز از هم دریده شود.

به احتمال بسیار زیاد، جراحاتی نیز خواهید داشت و یک عالم خونی از قسمت‌های گوناگون بدن‌تان به بیرون سرازیر خواهد شد.

اما در نهایت امر، چتر نجات شما باز خواهد شد. و این همان وعده‌ای است که خداوند عالم به پندگانش داده است. این یک فرضیه نیست. این یک وعده الهی است. بی چون و چرا. آیا می‌توانید تنها یک موقعیت را نام ببرید که خداوند عالم شما را به سلامت از آن رد

نکرده باشد...؟ من که به شخصه، مطلقاً به خلاف چنین چیزی باور ندارم. زیرا اگر خداوند متعال از حالا، شما را از مخصصه‌ای بیرون نکشیده باشد، پس در همین زمان حال کنونی مشغول بیرون کشیدن شما از هر نوع مخصصه‌بدی است! شما خودتان، مدرکی زنده و ملموس برای اثبات این امر هستید، زیرا موجودی هستید که مشغول تنفس کردن هوای اطرافتان هستید. اگر خداوند عالم به موقع به دادتان نرسیده بود، شما دیگر در این عالم خاکی حضور نمی‌داشتید. بنابراین به شما «خاطر نشان» می‌سازم که چتر نجاتتان «سرانجام» باز خواهد شد. اما همان اندازه، لازم است که نخست «پرشتان» را به درستی به انجام رسانید و خودتان کشت‌کوبی که در اندازه خواهید توانست در هوا به پرواز درآیید.

به همان اندازه که شما باید به پرتگاه زندگی بایستید و هرگز این «پرش» را انجام ندهید، و تا ابد، در نقطه امن و بی‌خبری بمانید. شما می‌توانید مانع مجروح شدن‌تان شوید. اگر شما این «پرش» را انجام ندهید، من می‌توانم وعده دیگری نیز به شما بدهم: این که چتر نجاتتان دیگر هرگز باز نخواهد شد...

و آن وقت دیگر هرگز نخواهید فهمید که متعال، چه عظمت و بزرگی و قدرتی را به شما عنایت کرده است! زیرا او زندگی خارق‌العاده و شگفتی‌آوری را به شما وعده داده است! این نکته حیاتی و اساسی، در تمام کتاب‌های آسمانی آمده است که خداوند متعال، به شما هستی ارزانی داشته است و نیز حیاتی سرشار از برکت و فراوانی. بنابراین، اگر من جای شما باشم: یقیناً این «پرش» را انجام می‌دهم. این تنها راه رسیدن به برکت و فراوانی در زندگی‌تان است. شما باید «پیرید»!

شما باید ریسک کنید!

در غیر این صورت، باز هم با همان وضعیت یکنواختی و یکسانی در زندگی‌تان مواجه خواهید بود. پس از این که این سخنان را شنیدید و این استودیوی تلویزیونی را ترک کردید، افرادی از میان شما خواهند بود که همچنان به بحث کردن پیرامون این مبحث جالب، در داخل اتومبیل ادامه خواهند داد و خواهند گفت: «خب... من مجبورم یک عالم صورتحساب

ماهیاره پیردازم. هرگز نمی‌توانم «ریسک» بکنم و «پرشی»، صرفاً از روی میزان ایمانم به خدا انجام دهم تا به رویاهای زندگی‌ام دسترسی پیدا کنم...»

اما لطفاً این نکته را نیز مدنظر قرار دهید که چه شما در لبه پرتگاه باقی بمانید، چه «پرشتان» را به انجام رسانید، شما «به هر حال»، ناگزیر از پرداختن صورتحساب‌های ماهیاره‌تان خواهید بود. به همان اندازه، بسیاری از میان شما می‌توانند بگویند: «اگر من کارم را به صوت ناگهانی رها سازم، دیگر اعتباری نزد دیگران نخواهم داشت و تمام حیثیت و آبرویم را از دست خواهم داد...»

و من به شما می‌گویم: اگر شما تنها یک شغل ساده دارید، پس صرفاً دارید بر اساس حقوق ماهیاره‌تان زندگی می‌کنید و بس. از این حقوق تا آن حقوق بعدی.

بنابراین، حتی اگر در بالا این میزان اعتبار اجتماعی هم برخوردار باشید، به احتمال بسیار زیاد، به قدر کافی پول برای «تجارت» دارید که بتوانید از یک زندگی سرشار از معنا بهره‌مند باشید... به همین خاطر است که شما را به شدت تشویق می‌کنم که ببینید خدای متعال چه چیزی را در زندگی‌تان آشکار و نمایان خواهد کرد! اگر شما «پرشتان» را انجام دهید، (در این باره به من اعتماد داشته باشید...)، خداوند متعال نیز شما را در همان نگاه خواهد داشت.

او شما را تا این مقدار پیش نیاورده است که ناگهان در پرتگاهی عمیق رها سازد تا در آن سقوط کنید و نابود شوید! بنابراین، پیش از ترک این عالم، و پیش از آن که دارفانی را وداع گوئید، لطفی به خودتان بکنید: دست‌کم یک بار هم که شده، «پرشی» انجام دهید. ضرری ندارد...»



امروزه، امکان ندارد به جایی بروم و شخصی ناگهان در برابرم ظاهر نشود تا به من بگوید تا چه اندازه، کلیپ ویدیویی سخنانم دربارهٔ آن «پرشی» کذابی برایش معنایی ژرف داشته است... یک بار، صاحب یک زمین گلف به نزد من آمد و گفت: «من در این دوران کنونی، هر روز صبح، برنامهٔ ویدیویی شما را که راجع به آن «پرشی» بزرگ صحبت کردید، به مردان جوانی که

به عنوان کارمندان زمین گلف به کلوپ من می آیند نشان می دهیم. می دانید، دوست ندارم که آن‌ها صرفاً از این که کارمندان زمین بازی گلف هستند، راضی و خشنود باشند...!

میل دارم آن‌ها به خوبی متوجه شوند که می توانند خیلی بیش تر از این‌ها را داشته باشند.»

به همان اندازه، پدری مرا در فرودگاهی متوقف کرد و گفت: «من صاحب شش فرزند هستم و هر شش نفرشان را وادار ساختم تا کلیپ شما را با نهایت دقت تماشا کنند. شما دقیقاً مطالبی را بیان کردید که من سال‌هاست دارم برای آن‌ها بیان می‌کنم...»

باری «پیریدن» یعنی پذیرفتن عمل انجام دادن یک ریسک. یک کار خطرناک.

یعنی همانا «رشی»، رشار از قدرت ایمان شما، برای دست یافتن به رؤیاها و آرزوهایتان.

پیریدن شما یعنی همانا «امام رساندن حرکتی عظیم در مسیر پیشرفت حرفه‌ای‌تان.

پیریدن شما یعنی «الاح و» «بیم» مشکلاتی در روابط شخصی‌تان.

پیریدن شما یعنی همانا در آتش نسیم آن خواسته مقتدرانه‌ای که خداوند متعال در نیروی تخیل شما جای داده است؛ و نیز هد و قولی است که شما به خداوند عالم می‌دهید تا خواسته آرزومندان‌تان را در زندگی زمینی‌تان، به تحقق پیوشانید.

بینم، شما در نیروی تخیلاتان چه چیزی را مشاهده می‌کنید...؟

آیا تصویر یک اتومبیل نو را می‌بینید که در پیاده‌رو کرجا یا خابانی که محل اقامتتان است پارک شده است؟ یا نکند تصویر خانه‌ای را می‌بینید که همواره به عنوان خانه رؤیایی شما در ذهنتان پرورش یافته است؟ یا نکند خودتان را مشغول آغاز کردن یک کسب‌وکاری بسیار موفق و سودآور می‌بینید؟ نکند مرد یا زن رؤیایی‌تان را در نظر می‌بینید؟ آیا خودتان را در حین دریافت مدرک تحصیلی‌تان می‌بینید؟ یا نکند تصویر فرزندان‌تان را می‌بینید که یکی یکی راهی کالج‌ها و دانشگاه‌های معتبر دنیا می‌شوند؟ آیا خود را در حین ترک کردن کار اداری‌تان می‌بینید (همان کاری که فشار خونتان را همواره بالا می‌برد و هزاران فشار روحی به شما می‌داد...) تا بروید و یک رستوران سیار برای خودتان بگشایید؟ یا نکند خود را در حین ترک کردن منطقه‌ای سردسیر که سلامتتان را به خطر انداخته است می‌بینید، در حالی که در شرف نقل مکان به منطقه‌ای گرمسیر و رؤیایی هستید؟ آیا خود را در حال قبول کردن کودکی یتیم از یک پرورشگاه می‌بینید؟

تصاویر خیالی و آرزوهای باطنی شما هر چه باشد، خداوند متعال آن‌ها را بنا به دلیلی مشخص و دقیق در ذهنتان جای داده است. و در جهت آن که بتوانید به رؤیاهایتان جامه تحقق ببوشانید، لازم است که «پرستان» را با طیب خاطر به انجام رسانید.

آن چه شما به عنوان تصویر رؤیایی ذهنتان مشاهده می‌کنید، همان چیزی است که به «هدیه خدادادی‌تان» وابسته است. همان‌گونه که در کتاب پیشین خود توضیح داده‌ام: هدیه خداداد، شما دقیقاً همان چیزی است که شما می‌توانید به بهترین شکل ممکن و در کم‌ترین زمان از رحمت و تلاش، به انجام رسانید. بنابراین، کشف کردن هدیه خدادادی‌تان و این که خداوند متعال چگونه و به چه شکل مایل است که شما این هدیه را در طول زندگی‌تان مورد استفاده قرار دهید، هدف اصلی و نیز قدرت واقعی شما برای میل در «پریدن» است.

خداوند مهربان مایل است، که شما دقیقاً از آن نوع زندگی‌ای که آرزو دارید، برخوردار باشید و از آن بهره ببرید. زیرا ر غیر این صورت، این تصاویر زیبا را هرگز در ذهن شما به وجود نمی‌آورد؛ او شما را در رمی می‌باید جای نداده است که شما بی جهت رنج بکشید و تلاش‌های فراوان و سخت به انجام رسانید و از یک رشته چیزهای خوب محروم بمانید.

او مایل است که شما به هر آن چه آرزو دارید دست یابید؛ و لذا، میل و رغبت شما برای این که این «پرش» را انجام دهید، درهای زیادی را به روی شما خواهد گشود.

هر «پرش»، خرد و حکمت شما را افزایش خواهد داد. به بسط و گسترش دادن دیدگاه و اهداف درونی شما خواهد پرداخت. آن زندگی سرشار از برکت و فراوانی‌ای که خداوند مهربان برای شما در نظر گرفته است، به شما کمک خواهد کرد تا به ثروت‌های مالی و معنوی بیکرانی دسترسی پیدا کنید؛ ثروت‌هایی آن چنان فراوان و بی‌پایان که از حد تصور فراتر می‌رود...! آن قدر که بتوانید آن‌ها را با دیگران نیز سهیم و شریک شوید.



و لذا، میل و رغبت شما برای این که این «پرش» را انجام دهید، درهای زیادی را به روی شما خواهد گشود. هر «پرش»، خرد و حکمت شما را افزایش خواهد داد و به بسط و گسترش دادن دیدگاه

و اهداف درونی شما خواهد پرداخت. آن زندگی سرشار از برکت و فراوانی‌ای که خداوند مهربان برای شما در نظر گرفته است به شما کمک خواهد کرد تا به ثروت‌های مالی و معنوی بیکرانی دسترسی پیدا کنید. ثروت‌هایی آن چنان فراوان و بی‌پایان که از حد تصور شما نیز فراتر خواهد می‌رود! آن قدر که بتوانید آن‌ها را با دیگران نیز سهیم و شریک شوید.

«پرش»‌هایی که من تا این مقدار، درباره آن‌ها با شما سخن گفتم، همه، «پرش»‌هایی عظیم و بلند است. به همان اندازه، پرس «های کوچک‌تر نیز به نوبه خود، زیبایی و بهبود مخصوص و چشمگیری به زندگی شما خواهد داد. «پرش»‌هایی مثل ترک کردن سیگار، انجام دادن یک رشته حرکات ورزشی در ساعات خاصی از روز، یا بهبود بخشیدن به ظاهرتان، یا تصمیم قطعی شما برای آن که بیش از پیش در مافایری اداره، به صحبت و انجام گفت‌وگوهای حرفه‌ای مهم اقدام ورزید، یا آن که بیش از پیش به سلامت بدنتان رسیدگی کنید، یا نظم و برنامه‌ریزی جدیدی در زندگی‌تان به وجود آورید، یا خودتان را از حالت خفقان و محدودی که در آن حضور دارید برهانید، و خلاصه غیره و غیره.

باری، همان گونه که گفتم، «پرش»‌های کوچک می‌تواند بیش از پیش «پرش»‌های بزرگ شما را در زندگی تکمیل و کامل کند.

برخی از ما بیم داریم که این «پرش» بزرگ را انجام دهیم. از این می‌ترسیم که نمی‌دانیم فرجام این کار چگونه خواهد بود. اما اجازه بدهید به شما بگویم که این درست شبیه زندگی هر روز ما است. زیرا هر روز که از خواب بیدار می‌شویم، به هیچ‌وجه نمی‌دانیم روز یا شبمان به چه شکل سپری خواهد شد. و این همان جنبه هیجان‌آور زندگی زمینی است. و برای هر روزی که شما احساس هیجان و شوق و اشتیاق نمی‌کنید در حالی که باید با چنین احساسات مثبت و سازنده‌ای روزتان را آغاز نمایید، این لزوم را به صورت ضروری در وجود شما شکل می‌بخشد که باید هر طور است، این «پرش» را انجام دهید. لطفاً برای یک دقیقه هم این تصور به ذهنتان نرسد که افراد موفق به هیچ‌وجه از انواع

ترس‌های گوناگون به رنج و عذاب نمی‌افتند!

من خودم، یک عالم ترس‌های گوناگون در دل و جان دارم... به ویژه به خاطر این که نه تنها خانواده‌ای دارم، بلکه به خاطر کار و حرفه‌ام نیز بیم‌هایی درونی دارم؛ و لذا ناگزیرم که بیش از پیش از خود، و آن چه به من تعلق دارد، مراقبت و محافظت نمایم.

اما به همان نسبت، به استقبال از ترس می‌روم؛ زیرا این برای من نشانه‌ای از سوی خداوند متعال است، که به من می‌فهماند خداوند دقیقاً توجه مرا به سوی این نکته جلب کرده است که لازم است کارهایی باز هم بزرگ‌تر و مهم‌تر به انجام رسانم؛ به گونه‌ای دیگر، ایمانم موجب آرامش بیشتری به ترس‌هایم می‌شود؛ و من ترس‌هایی بزرگ‌تر از رؤیاهایم ندارم!

پس این کافی است با ترس‌های درونی‌تان رویارو شوید و آن‌ها را بپذیرید و سپس گام‌هایی توانمند به جلو بردارید. حساس، ترس هم صرفاً در کنار شما حضور دارد، تا به شما بفهماند که کاری که قصد دارید انجام دهید، به راستی ارزش ریسک کردن و «دل به دریا زدن» را در شرایط کنونی زندگی‌تان دارد.

سپس، هنگامی که «پرشتان» را انجام دهید، خداوند عالم، از آن قسمت به بعد، عهده‌دار سایر کارهای شما خواهد بود. او شما را در موقعیت‌هایی گوناگون قرار خواهد داد تا دروس معنوی مهمی بیاموزید و آماده شوید که به مراسم و تشریفات بعدی زندگی‌تان پیش بروید.

که این همانا به منزله «پرش»‌هایی دیگر و مهم است. او همچنین شما را با برکات فراوان و برپایانی مورد حسرت و تأسف قرار خواهد داد و این برکات، در تمام طول سفر زمینی شما، با شما همراه خواهد بود.

با دانستن این نکات، کدام کسی است که دیگر نخواهد چنین «پرشی»‌ها را انجام دهد؟! من هرگز به شما نمی‌گفتم که «پرشی» انجام دهید، و یا «پرشی» صرفاً از روی ایمان به خداوند انجام دهید، و یا حتی موقعیت کنونی‌تان را به خطر اندازید، اگر که خود من، پیش‌تر از شما، بارها و بارها، چنین «پرش»‌هایی را در زندگی‌ام به انجام نرسانده بودم!

خداوند متعال، رؤیایی را در برابر دیدگانم، برای زندگی زمینی‌ام نمایان ساخت و این همانا حضور یافتن در برابر دوربین‌های تلویزیون بود.

حال، در جهت آن که بتوانم خود را به آن مکان اصلی برسانم، لازم بود که در طول سفر

زمینی‌ام، از کالج بیرون بیایم، شغلم را از دست بدهم و حتی به مدت سه سال تمام، بی‌خانمان شوم و بدتر از همه آن که دو متارکه تلخ را نیز پشت سر بگذارم و یک عالم پول به اداره مالیات کشور بدهکار شوم، (آن نیز صرفاً به خاطر مشاوره‌های غلطی که به انجام رسانده بودم و نصایح اشتباهی که به من کرده بودند...)

اما من پیوسته به «پیریدنم» ادامه دادم. شغلی را که بسیار یکنواخت بود، رها ساختم تا به عنوان یک «پیرید» ستیار، از این سوی کشور به آن سوی کشور بروم، و باور کنید این کارها هرگز به عنوان ربه‌های کورکورانه و از روی نادانی انجام نمی‌شد.

تمام این تلاش‌ها و کارها «پرش» عظیم و ضروری برای من بود تا به آن زندگی پریرکتی که خداوند برایم مقدر کرده است دسترسی پیدا کنم. باور بفرمایید که امروزه، در طول روزهای شلوغ زندگی‌ام، به راستی فرصت کمی دارم، تا از تمام درهای رحمتی که خداوند متعال به رویم گشوده است عبور کنم...! بنابراین یگانگی راهی که می‌تواند به شما اجازه دهد که از یک زندگی متمرثر و پربرکت بهره‌مند شوید، این است که از فراز صخره‌هایی بزرگ و خطرناک، پروازکنان عبور کنید و پیوسته «پرش»‌های بزرگ را به انجام رسانید.

تمام افرادی که با آن‌ها آشنایی دارم، به من می‌گویند که میل دارند خوشبخت و سعادتمند شوند و همزمان، مایلند سرشار از موفقیت و پیروزی باشند. یک تفاوت میان شما و آن افراد موفق که شما در طول روزهای زندگی‌تان، در گوشه و کنار دنیا مشاهده می‌کنید این است که آن‌ها «جرأت» کردند و «پیریدند». به همین دلیل است که می‌گویم شما یگانگی فردی هستید که باید رؤیاها و آرزوهایتان را از درون قفسه‌های خاک‌گرفته ذهنتان بیرون بکشید و آن‌ها را در اسرع وقت، به واقعیت‌هایی ملموس و انکارناپذیر مبدل سازید!

شما یگانگی فردی هستید که می‌تواند «من نمی‌توانم!» را به «من می‌توانم!» تغییر دهد! شما می‌توانید در گوشه‌ای بنشینید و شاهد سپری شدن سال‌های عمرتان شوید، در حالی که هرگز هیچ‌یک از رؤیاهایتان را جامه‌ی تحقق نپوشانده‌اید. یا آن هم که می‌توانید جرأت به خرج دهید و ریسک کنید، و به گونه‌ای شروع به زیستن در این عالم کنید که هرگز پیش از آن، شبیه آن را تجربه نکرده بودید!

«پرش»، همانا میراثی است که نشان می‌دهد خداوند متعال، با زندگی «من»، چه‌ها کرده

است، و من ایمان راسخ دارم که پروردگار یگانه‌ام می‌تواند دقیقاً همان کار را در زندگی «شما» نیز پدید آورد! اگر منی که در داخل اتومبیلم زندگی می‌کردم، (زیرا هیچ جای دیگری نداشتم تا شب را به روز برسانم...) اینک مجری معروفی در شبکه‌های تلویزیونی هستم، پس به راستی می‌توان حدس زد که خداوند مهربان، چه چیزهایی برای یک یک شما انسان‌های روی زمین، در این عالم خاکی مقدر کرده است...!

زندگی شما باید بیش از صرفاً یک زندگی ساده و معمولی باشد: انسانی که فقط از این حقوق هیاهو با آن حقوق ماهیانه زندگی خود را طی می‌کند و بعد هم امیدوار است که بتواند دست‌کم، حقه‌اش را نشسته‌گی بخور و نمیری برای خود، در اواخر عمر فراهم آورد... راستش را بخواهید، در این که شما بخواهید زندگی ارزشمند و نیز رؤیاهای عزیز و شیرینتان را به دست‌آورد یگری بسپارید، هیچ نوع امنیتی وجود ندارد! زیرا سرنوشت شما تنها به خود شما تعلق دارد و بس!

اگر شما خوشبخت نیستید، پس، انتظار چه چیز دیگری هستید؟! زندگی شما تنها زمانی معنا خواهد گرفت که تصمیم راسخ بگیرید که آن «پرش» کذایی را به انجام رسانید. به همان اندازه، بیهوده منتظر فرا رسیدن زمانی ناشید که بتوانید اعتباری بانکی از بانکتان بگیرید تا بعداً، «سر فرصت»، «پرشتان» را به انجام رسانید... به همان اندازه، لازم نیست نخست، ده کیلو از بانکتان را در دست بدهید، تا «بعداً»، «سر فرصت»، «پرشتان» را به انجام رسانید...

لازم نیست منتظر بمانید تا فرزندانان دوران مدرسه و دانشگاه خود را به پایان برسانند تا شما سرانجام بتوانید «پرشتان» را «سر فرصت» به انجام رسانید... من به شما خاطرنشان می‌سازم که فرزندانان، به مراتب بیش‌تر از آن چه الان احساس افتخار به شما می‌کنند، احساس افتخار به شما خواهند کرد: به ویژه آن هنگام که ببینند مشغول زیستن در آن نوع زندگی‌ای هستید که همیشه آرزوی آن را داشته‌اید. زندگی‌ای که شما را خوشبخت می‌کند. بنابراین، بیهوده در انتظار فرا رسیدن یک زمان «عالی و مناسب» نمانید! بهترین زمان برای «پردن»، همانا زمان حال کنونی است. همیشه زمان حال کنونی است، و بهترین روز برای آن که زندگی جدیدتان را آغاز نمایید، همین امروز است. امروز...!

می‌دانید، هم اینک، مردمی در گورشان خفته‌اند که آرزو می‌کردند کاش یک روز دیگر و بیش‌تر عمر داشتند تا از هدایایی که خداوند عالم به آن‌ها ارزانی فرموده بود، بیش‌ترین بهره را ببرند و از آن‌ها استفاده‌ای بهینه به عمل آورند...

اگر شما موجوداتی زنده و در قید حیات هستید، و هم اینک مشغول تنفس کردن هوای اطرافتان هستید، این به آن معناست که خداوند متعال، هنوز یک عالم وقایع گوناگون برایتان ذخیره نگاه داشته است!

حتی اگر شما کاری یا چیزی را برای نخستین، دومین، سومین یا حتی چهارمین بار آزمایش می‌کنید و آن کار، چنانچه برایتان مفید و کارساز نیست، شما همچنان وظیفه دارید که به «پریذنتان» ادامه دهید. خداوند همواره و در طول هر روز جدیدی که آغاز می‌شود، به بندگان خود اجازه می‌دهد که شش در مین را نیز به کار گیرند.

پس قرار است چه هنگام دست از مسئولیت‌نشستن بردارید و دست به کار شوید...؟ زیرا حیاتی سرشار از برکت و فروانی در انتظار شما است؛ مثل آن شغلی که همواره در آرزویش به سر برده‌اید و درست پس از «شش» در سیراهتان آشکار خواهد شد. یا آن کاخ بزرگی که دوست دارید خانه شما باشد و هزاره در آرزوی زندگی کردن در آن بوده‌اید. آری، درست پس از «پرش» شما، در برابرتان آشکار خواهد شد؛ و یا حتی درهای آن تجارتی که همواره آرزو داشتید برای خود فراهم آورید، درست پس از آن که «پرشتان» را انجام دهید، ناگهان به رویتان گشوده خواهد شد.

در واقع، تنها یک راه برای رسیدن به آن چه خداوند عالم برایتان در نظر گرفته است وجود دارد و بس: این که باید «بهرید»...

